

## با بهاری که می رسد از راه

شاعر: محمد جواد محبت

قالب شعر: چهارپاره

آثار: رگبار کلمات، کوچه باغ آسمان، با بال این پرنده سفر کن

## بیت اول:

روشن و گرم و زندگی پرداز آسمان مثل یک تبسم شد

تبسم: لبخند

نثر روان: آسمان صاف شد و ابرهای سیاه کنار رفت و امید به زندگی در دلها دوباره زنده شد.

آسمان مثل یک تبسم: ← تشبیه

## بیت دوم:

هرچه سرما و دل سردی پر زد آهسته از نظر گم شد

نثر روان: سرما و افسردگی و ناامیدی کم کم از بین رفت.

دل سردی و سرما: ← کنایه از ناامیدی و افسردگی

## بیت سوم:

با نسیمی که زندگی در اوست باز چشم جوانه ای وا شد

نثر روان: نسیم زندگی بخش بهاری باعث شکوفا شدن جوانه ها و سبزه ها شد.

باز شدن چشم جوانه ها: ← تشخیص

## بیت چهارم:

بر درختی شکوفه ای خندید در کتابی بهار، معنا شد

کتاب: دنیا و جهان

نثر روان: شکوفه ها بر روی درخت مثل لبخند زیبایی باز شدند و دوباره بهار همه جای دنیا را زیبا کرد.

خندیدن شکوفه ها: ← تشخیص

## بیت پنجم:

با بهاری که می رسد از راه سبز شو، تازه شو، بهاری شو

نثر روان: همراه با آمدن بهار تو نیز شاد و سرزنده باش و خودت را تغییر بده.

## بیت ششم:

مثل یک شاخه گل جوانه بزن      مثل یک چشمه سار جاری شو

**نثر روان:** مثل شاخه گلی زیبا جوانه بزن و مانند چشمه ای جاری، زندگی را دوباره شروع کن تلاش کن و حرکت کن.

مثل یک شاخه گل و مثل یک چشمه سار: ← تشبیه

## بیت هفتم:

زندگی بر تو می زند لبخند      هست وقت شکفتن امروز

**نثر روان:** زندگی با همه ی زیبایی هایش به تو می گوید که الان زمان تلاش و شادی و نشاط است.

لبخند زدن زندگی: ← تشخیص

## بیت هشتم:

بہتر از ہرچہ ہست در دنیا      با خدا راز گفتن امروز

**نثر روان:** عبادت و راز و نیاز کردن با خداوند بہترین چیز برای تو در دنیا است.

« زیبایی شکفتن »

## واژه های مهم

شخصیت: مجموعه خصوصیات یک انسان

کیمیا: نایاب و نادر، دست نیافتنی

علاق: جمع علاقه، دلبستگی ها

اندرز: پند و نصیحت

سرشار: پُر

چالاکي: سرعت و زیرکی

تأمل: فکر کردن، اندیشه کردن

بصیرت: آگاهی، بینش

آراستگی: زیبایی

دلنشین: خوب و پسندیده

دوره: زمان

شور: هیجان، شادی

شوق: علاقه، میل

شکوفایی: رونق و پی

حسرت: افسوس، دریغ

وابستگی: نیازمند بودن

استقلال: مستقل بودن، نیازمند نبودن

رؤیا: خواب

باصفا: پاک

زلال: گوارا، صاف

## برخی از آرایه های متن:

- وابستگی و استقلال: ← تضاد  
 جویبار باصفا و زلال و گوارای زندگی: ← تشبیه  
 نوجوانی شبیه به رؤیا است: ← تشبیه  
 دوست خوب، کیمیا است: ← تشبیه  
 کتاب پر راز و رمز آفرینش و شگفتی های طبیعت: ← تشبیه  
 شکوفه های محبت و امید به آینده: ← تشبیه

## دانش زبانی: نهاد

**نهاد:** به کلمه یا کلمه هایی که معمولاً در ابتدای جمله می آیند و انجام کاری یا داشتن حالتی به آن ها نسبت داده می شود « نهاد » می گویند.

**مانند:** « نوجوانی، دوره شور و شوق و شکوفایی است. » ← ( نوجوانی ) نهاد

**نکته مهم:** برای پیدا کردن نهاد، اگر شعر داشته باشیم ابتدا اجزای جمله را مرتب و سر جای خودش قرار می دهیم، بعد نهاد و سایر قسمت های خواسته شده را مشخص می کنیم.

**مانند:** « بر درختی شکوفه ای خندید در کتابی بهار معنا شد »

« شکوفه بر درخت خندید و بهار در کتابی معنا شد » (شکوفه) ← نهاد جمله اول - بهار ← نهاد جمله دوم) «

برای پیدا کردن نهاد از این دو سوال + فعل کمک می گیریم. ۱- چه کسی؟ ۲- چه چیزی؟

**مانند:** « عاقل ابتدا فکرمی کند و بعد زبان می گشاید » چه کسی فکر می کند؟ عاقل ← نهاد

**مانند:** « تیر با سرعت به قلب هدف اصابت کرد » چه چیزی اصابت کرد؟ تیر ← نهاد

**نکته:** گاهی نهاد از جمله حذف می شود.

**مانند:** با بهاری که می رسد از راه سبز شو تازه شو بهاری شو (تو ← نهاد حذف شده است).